

بزرگ از بزرگان اهل اسلام به دیدار دوستان (محمد و یارانش) شتافت؛
عاقبتش را تعیین نمی کنیم الله دانا و حکیم است



عَطَاءُ بْنُ خَلِيلٍ أَبُو الرَّشَيْتَةِ
Ata Bin Khalil Abu Al-Rashtah - Official Page
عظیم من عظماء الإسلام
يلقى الأحبة محمداً وصحبه
ولا نزكي على الله أحداً
الثامن من جمادى الأولى 1438 هـ الموافق 2017/2/5م

(ترجمه)

سیستم اداری ما طوری هست که هرگاه جوان از جوانان حزب التحریر وفات کند از طریق همان ولایت مربوط خبر مرگش اعلان می شود. به همین ترتیب هرگاه عضو از اعضای اداری فعلی و یا قبلی امیر حزب وفات کند، شخص امیر حزب مرگش را اعلان می کند ... از آن جای که ابو محمد "صیری العاروری" در این دعوت صاف و نقی، صاحب قدر و منزلت خاصی بود، بناءً او را مستثنی قرار دادیم. امیر حزب و اداره او مرگ این بزرگ مرد را اعلان می دارد که در بین دعوت گران علم بردار و مشهور بود. او در راه دعوت استوار، پابرجا، با همت و بی همتا بود و در مبارزه با ظالمان با استقامت و دارای عزم متین بود و هیچ گاهی عزم او ضعیف نمی شد و به جز از الله سبحانه و تعالی از هیچ کس دیگری نمی ترسید ... سپری نمودن سال های متمادی را در زندان ظالمان خود بیان گر این موضوع است. من شیخ را از جمله کسانی می دانم که الله سبحانه و تعالی آنها را چنین توصیف نموده است:

(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)

[احزاب: 23]

در میان مؤمنان مردانی اند که صادقانه بر عهده که با الله سبحانه و تعالی بسته اند پایبند اند. بعضی از آن ها پیمان خود را به آخر رسانیده [و در راه او شربت شهادت نوشیده اند] و بعضی دیگر در انتظار اند. آن ها هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نمی آورند.

خواست الله سبحانه و تعالی چنین بود که چندین سال را جدا از هم دیگر باشیم، در حالی که نزدیک ترین ها بودیم. من زمانی که از منطقه الخلیل بنا بر حکم وظیفه عازم عمان شدم و در آن جا در وزارت کار و امور اجتماعی منحیث انجنیر به کار آغاز کردم. مسئولین دعوت در الخلیل، آدرسی را که برای از سر گیری امور دعوت برایم داده بودند، آدرس همین مرد قوی و پرهیزگار بود. دیدار ما در آن جا تا زمان زیادی ادامه داشت؛ اما با تأسف که از آن زمان تا حال از هم دیگر جدا بودیم! چنان چه قبلاً ذکر کردم از سال های زیادی بدینسو از هم جدا و دور بودیم و یک دیگر را ملاقات نکرده بودیم، نه حضوری و نه هم

در فضای مجازی، مگر به صورت تصادفی و اتفاقی؛ تا این که روز قبل از فوت وی (رحمه الله) با خبر شدم!

تقریباً چهار ماه قبل، در فیس بوک چشمم به پیامی خورد که از برادر مان الطیب بود که چنین نوشته بود:
«السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

این پیام از پدرم شیخ صبری العاروری به شیخ مان ابو یاسین ارسال است.
السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

برادر عزیزم ابو یاسین ... الله سبحانه و تعالی طاعات شما را مورد قبول خویش قرار دهد و همیشه صحت مند، سلامت، در امان و آرامش خاطر باشید... برادرم شب و روز از الله سبحانه و تعالی توفیق، حفاظت، امانت و استواری در امور دعوت را برایت خوانم... هر جا که بروید و هر جا که باشید، الله با شما باشد. الله شما را حفظ کند و ما را با شما زودتر در دار الاسلام جمع کند ... برادر شما ابو محمد صبری... سپتمبر 2016م تمام.»

پیام نیک از برادر عزیزم بود و پاسخ آن را از صفحه فیس بوک شخصی ام برایش فرستادم که قرار ذیل بود:

«به پسر برادر و دوست عزیزم شیخ ما ابو محمد صبری العاروری
السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر دهد که من را با دوست گرانقدر و شیخ عزیز ما ابو محمد ارتباط دادید و یاد آن شخصیت نیکو را که یکی از بزرگان ماست زنده ساختید. شخصیتی که در مقابل سختی ها سرخم نکرد، به رغم این که در زنده گی با سختی ها و مصائب زیادی مقابل شد؛ اما ثابت و پایدار بود، حتی در حالت مریضی قوی و در صحتمندی قوی ترین بود.

ما بسیار دوست داریم که با او تحت سایه بیرق اسلام، بیرق رسول الله صلی الله علیه و سلم دیدار کنیم و یکجا باشیم و با یکدیگر یادی از ایام گذشته از همان دوکان ابو محمد کنیم. چنان چه آن دوکان برای جوانان منبع نور و هدایت بود که از گوشه و کنار آن سرزمین می آمدند. به یادم هست که همان دیدار نیک من و شیخ را یک جا نمود و او به من همکاری می کرد، الله سبحانه و تعالی او را برکت دهد. از الله سبحانه و تعالی می خواهم که تلاش ها و زحماتی که او در حمل دعوت متحمل شده و تا حال که مریض هم است متحمل می شود در میزان نیکی هایش بیفزاید. و اجر و ثواب نیکی هایش را در روزی نصیبش فرماید که مال و فرزند هیچ سودی نمی رساند، مگر کسی که با قلب سلیم به پیش گاه الله قرار گیرد!
در پایان از الله متعال می خواهم که اگر در قضای ما دیدار در دنیا نباشد، در آخرت ما را در دور و طرف رسول الله صلی الله علیه و سلم و یارانش در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک و مقتدر یک جا نماید!
ای بار الها! دعای ما را اجابت کن، زیرا شما ذات شنوا و اجابت کننده دعا هستید!
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

17 محرم 1437 هـ.ق - 18 اکتوبر 2016م برادر تان عطاء ابن خلیل ابو رشته، تمام.»

سبحان الله! ... دوست داشتم که در دنیا زیر بیرق خلافت دیدار داشته باشیم، اما ذات قادر و توانا چیز دیگر خواست. از الله متعال می خواهم که دعایم را که در پیام گفته بودم اجابت کند: «از الله متعال می خواهم که اگر در قضای ما دیدار در دنیا نباشد، در آخرت ما را در دور و طرف رسول الله صلی الله علیه و سلم و یارانش در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک و مقتدر یک جا نماید!

ای بار الها! دعای ما را اجابت کن، زیرا شما ذات شنوا و اجابت کننده دعا هستید!»

الله متعال بر ابو محمد رحم نماید و با انبیاء، صدیقان، شهداء و صالحان وی را حشر نماید و از الله می خواهم که فرزندان و دختران و دوستان وی از زمره کسانی باشد که الله متعال وصف شان را چنین بیان نموده است:

" (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ). [البقره: 154]

آنان که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آن خداييم و به سوی او باز می گردیم. این ها همان کسانی اند که الطاف و رحمت الله شامل حال شان شده و آن ها هدایت یافته گان استند!

ای ابا محمد! الله بر شما رحم کند از جدایی ات غمگین استیم، اما چیزی می گوئیم که الله راضی باشد: چیزی که الله می گیرد و چیزی که می دهد از آن الله است و هر چیز نزد او اجل معین دارد. انا لله وانا الیه راجعون.

برادر و دوست شما

عطاء ابن خلیل ابو رسته
8 جمادی الاولی 1438 هـ. ق
5 فبروری 2017 م